

خراب کاری های قبل از مهارت اندوزی



مسعود رضایی، معلم این کلاس، خاطرات بسیاری دارد. به گفته او دانش آموزان در اینجا تجربه هایی کسب می کنند که تا آخر عمر به دردتان می خورد. او از روزی یاد می کند که سر کلاس، یکی از دانش آموزان هنگام باز کردن بست باتری، مثبت و منفی را رعایت نکرد و صدای انفجار بیدی در سالن پیچید که حسابی همه ترسیدند. او می گوید: آن روز به دانش آموزان گفتم اول باید بست منفی باز شود، اما یکی از دانش آموزان که سر به هوا بود، بدون توجه به حرف، مثبت را باز کرد که در نتیجه این اشتباه، کل سیم کشی تراکتوری که داشتیم رویش کار می کردیم، سوخت و نزدیک بود دست خود آن دانش آموز هم آسیب ببیند. دانش آموزان که حسابی ترسیده بودند، وقتی خاطرشان جمع شد که دوستان آسیبی ندیده است، دنبالش می کردند تا او را به حساب خودشان بزنند که چرا حواسش نبوده و این طور باعث خراب کاری و ترس همه شده است.

کارگاه تعمیر ماشین آلات را با دانش آموزان پر جنب و جوش آن، که ابایی از زوغنی شدن دستانشان ندارند و آچار به دست دنبال کار و کسب تجربه هستند، ترک می کنیم.

محمد سلمانی ایزدی، معاون فنی هنرستان کشاورزی که ما را همراهی می کند، همان طور که با خود درو در حال رفتن به سمت کلاس دانش آموزان رشته های دامی هستیم، زمین های مختلف را نشانمان می دهد و می گوید: بچه ها این زمین ها را شخم می زنند، در آن ها بذری می کارند و درو می کنند. در زمان پرورش ماهی هم استخرها پر از آب می کنیم و دانش آموزان کارهای پرورش ماهی را انجام می دهند. به زمین ها می رسیم، دانش آموزانی مقابلمان قرار دارند که وا کسینه کردن دام ها را بلدند، ابایی از تمیز کردن اسطبل اسب و گاوو... ندارند و نگاه صنعتی به دامداری دارند.

ابوالفضل سعادت یکی از این دانش آموزان است که در پایه دوازدهم تحصیل می کند. پدر، پدر بزرگ و عموی او همه گاودار هستند. او می توانسته این حرفه را به طور تجربی کنار آن ها یاد بگیرد اما می گوید: گاوداری سنتی دیگر نمی صرفد. آمده ام اینجا تا دامداری صنعتی را یاد بگیرم. او در باره چند قفلوزایی، بیماری ها و تغذیه دام نکاتی یاد گرفته است که خیلی به دردش می خورد. ابوالفضل در دامداری پدرش دو گوسفند برای خودش داشته که با رعایت این نکات، آن ها را به هشتاد گوسفند رسانده است و برای خودش درآمد دارد. اونکاتی را که اینجا آموخته، به پدر و پدر بزرگ و عمویش نیز منتقل می کند و آن ها هم از این موضوع استقبال می کنند.

دانش آموزان آچار به دست

ابتدا به سالن کوچک پرورش قارچ می رویم. اتاق تاریکی که چند تخت فلزی در آن قرار دارد و صفحات قارچ مهیای باردهی است. امیرمحمد اکبر پور مسئول اینجاست. او سال ۹۸ از همین هنرستان فارغ التحصیل شده و حالا تجهیزات پرورش قارچ را آورده است تا ضمن کشت و پرورش آن، دانش آموزان کنونی، مراحل پرورش قارچ را از نزدیک ببینند. هیچ کدام از اعضای خانواده او کشاورز نبوده اند اما به دلیل علاقه ای که به این امور داشته، مشاور مدرسه، هنرستان کشاورزی را به او معرفی کرده است. امیرمحمد می گوید: قبلا در باغچه کوچک پدر بزرگم سبزی می کاشتم ولی وقتی وارد هنرستان شدم، فهمیدم همین سبزی کاشتن به ظاهر ساده چه فوت و فن هایی دارد که اگر آن ها را رعایت کنیم، به بهره برداری و سود بیشتر و ریسک کمتری خواهیم رسید. در حالی که امیرمحمد دارد شرایط دما و نور برای پرورش قارچ ها را به دانش آموزان توضیح می دهد، از اتاق خارج می شویم و به سمت زمینی می رویم که کلاس دانش آموزان رشته ماشین آلات تعمیر تراکتور است. در قسمتی از زمین، دستگاه های مختلف بیلر، بذریکار، بذریاش، خرمن کوب و... قرار دارد. در سالن آن هم میزهای کار متعددی گذاشته اند، روی هر کدام قطعاتی قرار دارد که مربوط به کارهای عملی دانش آموزان است. سه دانش آموز آچار به دست در حال تعمیر موتور تراکتور هستند. چهار دانش آموز دارند کار سیم کشی موتور انجام می دهند. دو نفر دیگر هم روی بیل مکانیکی کار می کنند. مصطفی رحمتیان یکی از دانش آموزان این کلاس است. برادرش، مهدی رحمتیان، در همین کلاس درس خوانده، فارغ التحصیل شده و کارشناسی ارشد گرفته است. حالا علاوه بر اینکه معلم اینجاست، تعمیر ماشین آلات دونهاد آستان قدس و دانشگاه فردوسی را انجام می دهد.



۷۰۰ دانش آموز استان، در هنرستان کشاورزی محله الهیه، کارهای کشت، تعمیر ماشین آلات، دامداری و باغبانی را عملی فرامی گیرند

دهکده دانش آموزی

فهمه شهری اگر راه را بلد نباشی، در فضای وسیعش گیج و گم می شوی، ولی هر سوپابگذاری، نوجوانانی را می بینی که سخت مشغول کارند. علی در اتاقتی، قارچ می کارد. چند روز پیش پنجاه کیلو برداشت کرده و حالا مشغول مراقبت از قارچ ها برای برداشت دومین مرحله در سال ۱۴۰۲ است. در اتاقتی دیگر مجتبی، کرم ابریشم پرورش می دهد و پیله آن ها را به فروش می رساند. یونس و رضا غیر از نگهداری و پرورش گوسفند، در حال یادگیری و پرورش شتر مرغ هستند. سید حسین هشت کدو دارد و غسل برداشت می کند. رضا و برادرش، حسین، تعمیرات تراکتور و بیل مکانیکی و سایر تجهیزات صنعتی کشاورزی را انجام می دهند. علی و پدرش هم در گلخانه کار و از این راه امرار معاش می کنند. این زمین پنجاه هکتاری، یک هنرستان کشاورزی است که در محله امیر به قرار دارد. دانش آموزان اینجا برای نمره گرفتن باید نیش زنبور بخورند، گاوو گوسفندان را وا کسین بزنند، پشت دستگاه بیلر بنشینند، داروهای گیاهی کشت کنند، ماهی پرورش دهند، ابزار آلات کشاورزی را تعمیر کنند... با همین سن کم اغلب آن ها کسب و کاری برای خودش جور کرده اند و درآمدهای خوبی هم دارند. یک روز با همراه این دانش آموزان می شویم و پایه پای آن ها زیر آفتاب، در زمین هایی که کلاس در سشان است، حضور پیدا می کنیم.

منطقه

۱۲

